

الگوسازی زنان در قرآن

فریده فاطمی مهر*

مقدمه

تاریخ، نمایشگر زنانی است که در عرصه ایمان، عمل صالح و پیمودن مدارج رشد و کمال گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند و نامشان در زمره اسوه‌ها و نقش‌آفرینان تاریخ ثبت شده است. قرآن از زنانی نام برده است که در زمان خود الگوی مردم بوده‌اند. برخی دیگر نیز به عنوان الگوی فرا زمانی و فرا مکانی، برای تمامی دوران‌ها به عنوان الگو معرفی شده‌اند. نوشتار حاضر ویژگی‌های چهار بانوی قرآنی - حضرت آسیه رضی الله عنها، حضرت مریم رضی الله عنها، حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت زهرا رضی الله عنها - که به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کمال رسیدند^۱ و برترین زنان بهشت معرفی شدند،^۲ می‌پردازد تا الگوی مناسبی را در اختیار همگان به‌ویژه زنان مسلمان قرار دهد.

مفهوم اسوه و الگو

اسوه در لغت به معنای «مقتدا»، «الگو»، «سرمشق»، «پیشوا» و «پیشرو»^۳ آمده است. الگو در معنای اصطلاحی نیز به طرح و نمونه یا مدلی از شکل یا اشیا یا موردی از رفتار اطلاق می‌شود.^۴ الگوی انسانی نیز به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است. در علوم اجتماعی نیز الگوها، شیوه‌هایی از زندگی هستند که از فرهنگ نشأت می‌گیرند و افراد به هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سر و کار دارند و

* دانش‌آموخته، سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

۳. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۱۹۶.

۴. سید داود حسینی نسب و علی اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها: تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، ص ۶۳۲.

اعمال آن‌ها با این الگوها تطابق می‌یابد.^۱

از الگو در عربی به «أسوه» و «قُدوه» تعبیر می‌شود.^۲ راغب، اسوه را حالتی می‌داند که انسان به هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند.^۳ قرآن کریم واژه اسوه را در سه مورد به کار برده است.^۴ مفسران در تفسیر آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» گفته‌اند: «اسوه یعنی قدوه که عبارت است از اقتدا و پیروی کردن و اسوه در مورد رسول خدا ﷺ؛ یعنی پیروی و تبعیت کردن از او هم در گفتار و هم در رفتارش به او تأسی کنید».^۵

شیر را بچه، همی مانند بدو
تو به پیغمبر به چه مانی بگو^۶

الگوی زنان در قرآن

قرآن در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد قائل نشده است.^۷ قرآن زنان نمونه‌ای را برای الگوسازی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم معرفی، و سرگذشت آن‌ها را نقل کرده است؛ زنانی که قابلیت الگو شدن برای دیگران، اعم از مرد و زن را دارند. مطالعه و تأمل در سرگذشت این بانوان، گویای یک یا دو ویژگی خاص در وجودشان است که آنان را به الگوی ماندگار در تاریخ تبدیل کرده است.

۱. حضرت آسیه رضی الله عنها، الگوی حق‌پذیری و ظلم‌ستیزی

آسیه رضی الله عنها، زن نام‌آوری است که در دفاع از دین خدا و پیامبر الهی و مبارزه با ظلم و ستم فرعون در تاریخ ضرب‌المثل شده است. آسیه رضی الله عنها با اعلام انزجار از ظلم و ستم فرعون، با خوی فرعون و طاغوتی مخالفت و مبارزه و نسبت به آن ابراز تنفر می‌کند. این بانوی گرامی دارای درایت، روشن‌بینی و از خودگذشتگی بود.^۸ او سال‌ها به طور مخفیانه یکتاپرستی کرد تا سرانجام

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۲۶۰.

۲. احمد بن فارس قزوینی، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۰۵؛ محمد بن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۷۶.

۴. احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴ و ۶.

۵. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۲۸۸.

۶. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۲۲۰۲.

۷. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۱۳۹.

۸. احمد بهشتی، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، ص ۴۴.

در راه مبارزه علیه ظلم و بی‌عدالتی^۱ در راه حق به شهادت رسید.^۲ شهادت آسیه علیها السلام، بیانگر این پیام است که در محیط فاسد و در جامعه ستمکار نیز می‌توان پاک بود.^۳

داستان دفاع از حق و ایستادگی مقابل ظلم حضرت آسیه علیها السلام این‌گونه نقل شده است:
در دستگاه فرعونیان، همسر حزیبیل نجار به عنوان آرایشگر دختر فرعون رفت و آمد می‌کرد. روزی وی مشغول شانه زدن زلف‌های اینسا، دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و هنگام برداشتن آن، بسم‌الله گفت. دختر فرعون با تعجب گفت: «آیا منظور از گفتن الله، پدرم فرعون است؟». زن آرایشگر گفت: «نه، منظورم خدای موسی و هارون است که زمین و زمان و پدرت، فرعون را آفریده است».

دختر فرعون ماجرا را برای پدرش بازگو کرد و فرعون، آرایشگر و فرزندانش را به حضور فراخواند و پرسید: «پروردگارت کیست؟». زن گفت: «خدای من و تو، الله است که پروردگار جهانیان است». فرعون با شنیدن این سخن دستور داد تئوری را که از مس ساخته بودند، روشن کنند و تمام فرزندان آن زن را یک به یک میان آن تنور سوزاند تا نوبت به فرزند شیرخواره آرایشگر رسید. در این مرحله صبر و قرار زن تمام شد و شروع به اعتراض و گریه کرد، ولی آن بچه شیرخواره به امداد غیبی به سخن در آمد و گفت: «ای مادر! صبر کن که این بلاها در راه حق است». در پایان کار نیز زن را به آتش انداختند و سوزاندند. این زن مؤمن و شجاع تا زنده بود، تسلیم جور و ستم نشد و در برابر این همه مصائب تلخ ایستادگی کرد.^۴

وقتی آسیه علیها السلام این جنایات را دید، صبرش لبریز شد و به شدت به فرعون اعتراض کرد: «وای بر تو ای فرعون! تا کی جنایت خواهی کرد؟ چقدر به خدایت و خدای عالمیان جرأت و جسارت پیدا کرده‌ای؟ این زن و فرزندان او چه گناهی داشتند که آنان را به آتش افکندی؟!». فرعون با شنیدن این سخنان اعتراض‌آمیز از ملکه دربار و همسر زیبا و مورد علاقه‌اش، تعجب کرد و گفت: «مگر دیوانه شده‌ای که این‌گونه سخن می‌گویی؟». آسیه علیها السلام گفت: «دیوانه نشدم، لیکن به خدای موسی که خدای عالمیان است، ایمان آورده‌ام». فرعون که هرگز فکر نمی‌کرد موسی علیه السلام دارای چنین پایگاه قوی و نیرومندی در دربارش باشد که آسیه را به آیین خود جذب کند، احساس خطر کرد و به سراغ مادر آسیه رفت تا از او کمک بگیرد. مادر آسیه و فرعون،

۱. محمدمهدی اشتهازدی، زنان مردآفرین تاریخ، ص ۵۷.

۲. علی دوانی، زن در قرآن، ص ۴۵.

۳. هادی دوست‌محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، ص ۱۲۹ - ۱۲۵.

۴. اسدالله محمدی‌نیا، بهشت جوانان، ص ۵۹.

آسیه علیها السلام را به زعم خود نصیحت کردند تا دست از این آیین بردارد، وگرنه همچون همسر حزیبیل به مجازات خواهد رسید.

تهدیدهای فرعون و نصیحت‌های خصوصی مادر تأثیری نبخشید و آسیه علیها السلام دست از ایمان و عقیده خود بر نداشت. فرعون میان دو راهی قرار گرفته بود که ایمان همسرش را تحمل کند که در این صورت جرئت مؤمنان و نفوذ بنی اسرائیل که به موسی علیه السلام و آیینش گرویده بودند، بیشتر می‌شد یا با خشونت و بی‌رحمی، آسیه علیها السلام را نیز مثل دیگر مؤمنان به شهادت برساند. او راه دوم را برگزید و تلاش کرد با شکنجه آسیه علیها السلام را برساند تا دست از عقیده‌اش بردارد. از این رو دستور داد آسیه علیها السلام را بر زمین بخوابانند و هر یک از دست‌ها و پاهایش را با میخ‌های بزرگ بر زمین بکوبند. سپس سنگ بزرگی را روی سینه‌اش بگذارند. حضرت موسی علیه السلام این صحنه را دید. آسیه علیها السلام از او استمداد کرد و از جنایات فرعون شکوه نمود. موسی علیه السلام آسیه را دعا کرد و در اثر دعای آن حضرت، همه شکنجه‌ها در جسم و روح آسیه مؤثر نشد و درد و عذاب را احساس نکرد.^۱

قرآن مناجات آسیه علیها السلام با خداوند هنگام شهادت و درخواستش را این‌گونه نقل کرده است:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
وَوَجِّعِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛^۲ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است؛ در آن هنگام که گفت: پروردگارا! نزد خود برای من خانه‌ای در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

۲. حضرت مریم علیها السلام، الگوی عفت و پاکدامنی

داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن، یکی از شگفت‌انگیزترین و جالب‌ترین داستان‌های قرآنی است. حضرت مریم علیها السلام تنها زنی است که نام مبارکش در ۱۲ سوره قرآن مجید و ۳۴ آیه به صراحت ذکر شده است، اما شرح احوال او بیشتر در دو سوره آل عمران و مریم بیان شده است. آن حضرت، نمونه انسان کامل و متجسم فضایل معنوی است. او توانست در مسیر تعالی و رشد شخصیت خدایی خود، الگوی سالکان اعم از زن و مرد باشد. او که مظهر عفاف و پاکدامنی بود، به درجه‌ای رسید که توانست به عنوان مادر حضرت عیسی علیه السلام به عنوان پیامبر اولوالعزم

۱. علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. تحریم: ۱۱.

برگزیده شود.

استاد مطهری می نویسد:

قرآن در باره مریم، مادر عیسی، می گوید: کار او به آنجا کشیده شده بود که در محراب عبادت همواره ملائکه با او سخن می گفتند و گفت و شنود می کردند، از غیب برای او روزی می رسید، کارش از لحاظ مقامات معنوی آنقدر بالا گرفته بود که پیغمبر زمانش را در حیرت فرو برده، او را پشت سر گذاشته بود، زکریا در مقابل مریم مات و مبهوت مانده بود.^۱

در خصوص حضرت مریم علیها السلام در قرآن می خوانیم: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۲ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است: «چه افتخاری از این برتر که انسانی با فرشتگان هم سخن شود، آن هم سخنی که بشارت برگزیدگی او از سوی خدا و طهارت و برتری او بر تمام زنان جهان باشد، و این نبود جز در سایه تقوا و پرهیزگاری و ایمان و عبادت او، آری او برگزیده شد تا پیامبری همچون عیسی مسیح به دنیا آورد.»^۳ در آیه دیگر نیز آمده است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ»^۴ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دیدیم او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! در این دو آیه ویژگی های متعدد برای حضرت مریم علیها السلام بیان شده است، اما «عفت و پاکدامنی» از ویژگی مهم حضرت مریم است، چنانچه در آیه اول خطاب به مریم آمده است: «... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ...»^۵ فخر رازی ضمن چند احتمال درباره طهارت حضرت مریم، می گوید:

«... و طهرک من الأفعال الذميمة، والعادات القبيحة»^۶

در آیه دوم نیز آمده است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»^۷ «أَحْصَنَتْ» از «حصن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است. فخر رازی در ذیل این آیه

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۱۳۴.

۲. آل عمران: ۴۲.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۲.

۴. تحریم: ۱۲.

۵. أبو عبد الله محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۱۸.

می‌نویسد: «أَخَصَّنَتْ تَكَلَّفَتْ فِي عَفْتِهَا وَالمَحْصَنَةُ العَفِيفَةُ»^۱ در این قسمت از آیه مریم را به خاطر عفتش می‌ستاید. شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن جناب روا داشته، و تهمتی باشد که ایشان به وی زدند، و قرآن کریم در حکایت آن می‌فرماید: «وَ بِكُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا»^۲ و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند»، اما در مجموع آنچه که حضرت مریم را ممتاز می‌نماید، عفت و پاکدامنی است. حفظ پاک‌دامنی به قدری مهم است که حضرت مریم عليها السلام حتی محل عبادت خود را جایی انتخاب می‌کند که در معرض دید و نگاه مردان قرار نگیرد؛ یعنی گوشه شرقی مسجد الاقصی که کمتر در معرض دید مردان بود؛^۳ همچنین پرده‌ای آویزان می‌کند تا مردان هنگام حضور در مسجد پشت پرده قرار گیرند: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا»^۴ و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد).» در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد: «نظر به اینکه در مقام این بود که دائماً در بیت المقدس مشغول عبادت باشد یک حجابی بر خود اتخاذ کرد که دیگران که در بیت المقدس می‌آیند او را نظر نکنند و محجوب باشد که احدی نتواند بر او وارد شود»^۵ بر این اساس آن حضرت در جامعه‌ای گوهر عفت و پاکدامنی را پاس داشت که افزون بر انحراف عقیدتی، کارهای زشت و فحشا رواج داشت و منکرات، معروف و معروف، منکر شمرده می‌شد. متأسفانه امروزه عفت و حیا کمرنگ شده است و برخی زنان، حجاب را که یکی از مصادیق مهم عفت است، رعایت نمی‌کنند و این آسیبی جدی است که حیات و سلامت جامعه را تهدید می‌کند، چنانچه کارشناسان معتقدند بدحجابی، به‌خصوص در افراد و خانواده‌های مذهبی، نوعی بدبینی را در میان همسران ایجاد می‌کند که اختلاف‌برانگیز است. بنا بر بعضی مطالعات، نابسامانی‌های خانوادگی در ردیف نخست علل طلاق قرار دارد. برخی کارشناسان نیز بدحجابی را علت ۱۰ تا ۱۵ درصد طلاق‌ها دانسته‌اند.^۶ حجت‌الاسلام مرتضی آقا‌تهرانی

۱. أبو‌عبدالله محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۵۷۵. ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۸.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۴۵.

۳. سید عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۸.

۴. مریم: ۱۷.

۵. سید عبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۸.

۶. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹.

می‌گوید وقتی در مؤسسه اسلامی نیویورک مشغول فعالیت بودم، روزی دختر جوانی آمد که می‌خواست مسلمان شود. گفتم: برای پذیرش اسلام، ابتدا باید خوب تحقیق کنید و بعد اگر به این نتیجه رسیدید که دین اسلام دین حق است، می‌توانید مسلمان شوید. او رفت و شروع به مطالعه کرد. در این بین، چندین بار دیگر به من مراجعه کرد و در نهایت، با ناراحتی گفت: «اگر مرا مسلمان نکنید، من می‌روم و در وسط سالن فریاد می‌زنم و می‌گویم: من مسلمانم!» گفتم: حالا که در پذیرفتن اسلام مصمم شده‌اید، بیایید تا در طی مراسمی تشرف شما انجام شود. روز بعد، در بین مراسم گفتم: این خانم می‌خواهد امروز به دین مبین اسلام مشرف شود. یکی از حضار گفت: «لابد این دختر عاشق یک پسر مسلمان شده و چون دین ما اجازه ازدواج او را نمی‌دهد، می‌خواهد به صورت صوری مسلمان شود.» گفتم: از صراحت لهجه شما متشکرم؛ ولی این طور که شما گفتید، نیست؛ زیرا او در مورد حقانیت اسلام مطالعه گسترده‌ای داشته است و به عنوان مثال، در عقاید اسلامی چیزی به نام «بداء» هست که می‌دانم هیچ‌کدام از شما چیزی از آن نمی‌دانید؛ ولی این دختر خانم می‌داند. به هر حال، او در آن مراسم، مشرف به اسلام شد خانواده وی، مسیحی بودند و با دیدن حجاب او، شروع به آزار و اذیتش کردند. این آزار و اذیت روزبه‌روز بیشتر می‌شد؛ به حدی که مجبور شدم با آیت‌الله مظاهری تماس گرفته، جریان را با ایشان در میان گذارم. ایشان فرمود: «آیا احتمال خطر جانی وجود دارد؟» گفتم: بی‌خطر هم نیست. فرمود: «پس، شما به ایشان بگویید روسری خود را بردارد. ماجرا را به آن خانم ابلاغ کردم و گفتم: می‌توانید روسری خود را بردارید. او پرسید: «آیا این حکم اولیه است یا حکم ثانویه و به جهت تقیه صادر شده است؟» گفتم: نه؛ حکم ثانویه است و به دلیل تقیه صادر شده است. گفت: «اگر روسری خود را برندارم و برای حفظ حجابم کشته شوم، آیا من شهید محسوب می‌شوم؟» گفتم: بله. گفت: «والله، روسری خود را برنمی‌دارم؛ هر چند در راه حفظ حجابم جانم را از دست بدهم!» البته بعد از این ماجرا، خانواده او نیز با مشاهده رفتار بسیار مؤدبانانه دخترشان، از این خواسته صرف‌نظر کردند.^۱

۳. حضرت خدیجه رضی الله عنها، الگوی انفاق و بخشش

حضرت خدیجه رضی الله عنها، از چهره‌های ماندگار خُلق پسندیده بخشش است. این بانوی گرامی در بذل جان و مال و آبرو به نهایت درجه از خودگذشتگی رسید تا آنجا که کمک‌های مالی اش

1. <https://www.balagh.ir/content/16876>

موجب غنای پیامبر ﷺ شد؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن‌گونه که ثروت خدیجه رضی الله عنها به من سود بخشید».^۱

حضرت خدیجه رضی الله عنها در حالی که می‌توانست با ثروتی که دارد، بهترین زندگی را برای خود تشکیل دهد؛ همه را به پای پیامبر ﷺ و گسترش دین اسلام ریخت و در سخت‌ترین وضعیت زیست تا دین خدا زنده بماند و پیامبر خدا ﷺ از او راضی باشد.

ایشار تو عصاره ایشار هل اتی بوده است جان و مال شما نذر مصطفی
دین با جهاد مالی تو بیمه گشته است تو حق مادری به همه کرده ای ادا^۲

خداوند در قرآن خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى»^۳ و تورا نیازمند یافت و بی‌نیاز نمود». مفسران در تفسیر آیه گفته‌اند: «توجه خدیجه رضی الله عنها، آن زن مخلص باوفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور اسلام، غنایم فراوانی در جنگ‌ها نصیب تو کرد؛ آن‌گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی‌نیاز شدی».^۴

شهید مطهری، حضرت خدیجه رضی الله عنها را به عنوان نمونه عالی نقش مؤثر زنان در پیشبرد معنویت و تمدن اسلام دانسته است: «هنگام مبعث، چهره بانویی را مشاهده می‌کنیم که در آن وقت، سخت مایه تسلی خاطر پیامبر ﷺ بوده و در نهایت صمیمیت، تمام هستی خود را نثار اسلام کرده است. این بانو، خدیجه رضی الله عنها است».^۵

۴. حضرت زهرا رضی الله عنها، الگوی ایشار

ایشار، بالاترین درجه سخاوت و به معنای برتری دادن دیگران بر خود است که به مراتب بالاتر از انفاق است. به شهادت آیات قرآن و سیره حضرت زهرا رضی الله عنها، بانوی بزرگ اسلام در همه زمینه‌ها همچون ایمان، انجام اعمال نیک، دفاع از ولایت، پرورش و تربیت فرزند و ... الگو و سرآمد است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. خبرگزاری تسنیم، «ایشار تو عصاره ایشار هل اتی»، ۱۳۹۲/۰۴/۲۸، کد خبر: ۱۰۰۳۴۲.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/100342/28/04/1392>

۳. ضحی: ۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۰۵.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۴۰۴.

یکی از مشهورترین داستان‌های قرآنی که در آیات ابتدایی سوره انسان است، ایثار و انفاق امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به مسکین و یتیم و اسیر است: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۱ و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا، به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند».

بس که انفاق مال و جان کردی
هر یتیم و اسیر و مسکینی
آیه آمد به شأنت ای زهرا
بهره‌مند از عطایت ای زهرا^۲

با توجه به اینکه حضرت فاطمه علیها السلام الگوی جاودانه‌ای برای تمام بشریت است، با درس آموزی از انفاق و ایثار حضرت و به‌کارگیری آن در جوامع در هر زمان و مکان از جمله جامعه امروزی ما، می‌توان عدالت اجتماعی و اقتصادی را به دور از فاصله طبقاتی و تبعیض‌های گوناگون شاهد بود.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۲. اشتهاردی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران: نبوی، ۱۳۷۶ش.
۳. بابازاده، علی اکبر، سیمای زنان در قرآن، تهران: سپهر، ۱۳۸۱ش.
۴. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، چاپ ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷ش.
۵. بهشتی، احمد، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۸۰ش.
۷. حسینی نسب، سید داود و علی اصغر اقدم، فرهنگ واژه‌ها: تعاریف و اصطلاحات تعلیم و تربیت، تهران: حرار، ۱۳۷۶ش.

۱. انسان: ۸.

۲. سایت خبری تحلیل عصر امروز، «خدا کند که کسی بی‌هوا زمین نخورد»، ۱۳۹۸/۱۱/۰۸.

۸. دوانی، علی، زن در قرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۹. دوست‌محمدی، هادی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. فخر رازی، أبو‌عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. قزوینی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. محمدی‌نیا، اسدالله، بهشت جوانان، تهران: سبط اکبر، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۷۸ ش.

سایت‌ها

۱. خبرگزاری تسنیم، «ایثار تو عصاره ایثار هل اتی»، ۱۳۹۲/۰۴/۲۸، کد خبر: ۱۰۰۳۴۲.
۲. خبرگزاری جوان آنلاین؛ «بدحجابی به طلاق دامن می‌زند»؛ ۲۹ مرداد ۱۳۸۹.
۳. سایت خبری تحلیل عصر امروز، «خدا کند که کسی بی‌هوا زمین نخورد»، ۱۳۹۸/۱۱/۰۸.